

راههای لوت جنوبی

شرائط جغرافیائی

در تقسیمات منطقه‌ای، لوت جنوبی کوچکترین بخش دشت لوت است. حد شمالی آنرا به درستی نتوان معلوم کرد. قاعده آن تقریباً مدار نازی آب وچاله- های زنگی احمد تا محل گرگ در راه زاهدان است و راس آن در فهرج قرار گرفته و مثلثی شکل است که یک ضلع آن راه بم به فهرج و ضلع دیگر راه بم به اسپه است. در جنوب این محدوده آبادیهای بم و نرماشیر وریگان خارج از دشت لوت هستند ولی در طول راه بم به اسپه امتداد دشت لوت در جنوب جاده دیده می شود و در بیابان میل نادر بسوی جنوب مناظر بیابانی تا ارتفاعات بزمان ادامه دارد و آنچه در روی نقشه بنام بیابان کرمان به غلط ضبط است مفهوم جغرافیائی و تاریخی ندارد و معلوم نیست از چه زمانی این عنوان در نقشه ها راه یافته است. بین شورگز و گرگ در راه زاهدان مناظر دشت لوت تمام شده است زیرا وجود آب وچاه فراوان و سکنه چادر نشین در اطراف گرگ و مزار آب تاشوروبا مفهوم اصطلاح دشت لوت مطابقت ندارد و بیابان کرمان هم که خلیجی از دشت لوت می شود باید با نام دیگری معرفی گردد.

در محدوده دشت لوت جنوبی عامل مشخص جغرافیائی همانا وضع عمومی ناهمواری کم عارضه است که با ملاحظه شرائط دیگر، بیشتر راههای ارتباطی را در این ناحیه متمرکز نموده است. در شرق لوت توده عظیم ریگ در شمال دره کوچه خاتمه یافته است و گرچه در بیابان شرقی شورگز باز رشته های ماسه روان وجود دارند ولی این عوارض مشکلی برای شتر نیستند. در غرب، تپه ها و دالانهای کلوت در جنوب مدار مزار آب وجود ندارند و بین بلوچ آب و کشیت دشت لوت کم عارضه است .

پیرنندگان گویند .

در اطراف زیارتگاه درختان انبوه گز تا نزدیکی رشته‌های کلات گسترش یافته و از این محل باسانی میتوان وارد کلاتها گردید. دو محل متبرک دیگر جلوی راه است که اولی **گذرگاه امام** و دیگری **گذرگاه ابوالفضل** است. راه مستقیم پشویه از طریق هاشم آباد و کریم آباد است و دشت غربی آنها در برابر تنگه سامان چند رشته قنات مخروبه دارد که معلوم نیست در کجا از آنها استفاده میشده و بیشتر این قناتها را رشته‌های ماسه پوشانده است. در تپه‌های پای کوه، روستای کوچک **سامان** دو خانوار جمعیت و چشمه‌ای کم آب دارد و از راه تنگه سامان تا آبادی **جهریک** فرسخ است. بیابان جنوبی تنگه سامان را رشته‌های هلالی ماسه در بر گرفته و گیاهی در آنجا نیست ولی آثار چند قنات مخروبه و مجرای آبی با سنگ بست از زیر ماسه‌ها نمایان است و دورتر بسوی مشرق در چاله تکاب درختان پراکنده آخرین حد منطقه مرطوب تکاب و در آنجا چاه آبی بنام **چاه گرم** است. در این بیابان آثار خرابه‌های نامشخص فراوان است و از همه آنها جالب‌تر کریم آباد خرابه است که قلعه آن هنوز هویدا و شاید صد سال قبل مردم در آن زندگی میکرده‌اند. از کریم آباد خرابه تا پشویه ۱۵ کیلومتر بیش نیست.

چاله های زنگی احمد و شورگز گیاه فراوان دارند و در جنوب غربی این دشت در ناحیه بلوچ آب، آب زیرزمینی زیاد است و بواسطه وفور مسیله‌ها (مسیل بسم. مسیل فهرج - نرماشیر) آب شیرین قابل شرب از خلال چشمه‌ها و در چاههای کم گودی بدست می‌آید. منطقه بلوچ آب بواسطه چنین شرایط طبیعی مساعد از زمانی بس کهن چراگاهی مساعد بوده و بطور مستمر یا نامستمر انسانی در آنجا زندگی کرده است.

ارتباط لوت شرقی بالوت غربی از طریق لوت جنوبی بوده است زیرا با وجود کوتاهی راه مستقیم بین کشیت و اسپپی یا کشیت و نخيله بواسطه وضع لوت جنوبی راهها از شمال شرقی به جنوب غربی آمده و سپس از جنوب شرقی به شمال غربی جهت داشتند. راه نخيله به کشیت چنین وضعی دارد و حتی راه بزرگ بم به زاهدان هم‌زاویه‌های در منطقه فهرج دارد.

در حاشیه جنوبی لوت چند محل آبدار مرکز برخورد راهها یا اقامتگاه سر راه گشته‌اند. در شمال شرقی بم آخرین نشان آبادانی روستای **دارستان** است و در جنوب دشت لوت آبادی قدیمی **فهرج** آخرین محل مسکونی معتبر در حاشیه بیابان گرگ است. شورگز و گرگ هم دوجای کوچک آبدار در گوشه جنوب شرقی بوده‌اند. برای رسیدن به حواشی غربی لوت راههای مختلف از بلوچ آب باید بگذرد و چشمه نازی آب دور افتاده نیز راهی مستقیم بین حواشی غربی لوت و منطقه بم برقرار داشته است.

وضع راههای لوت جنوبی

لوت جنوبی در بخش غربی بنام لوت زنگی احمد در روی نقشه ضبط است. این اصطلاح در محل معروف نیست و منشاء این اسم رانمی‌شناسیم و بظاهر اصطلاح، قدیمی نباید باشد و در جاهای دیگر در حواشی جنوبی نام زنگی به عارضه‌ای طبیعی یا انسانی داده شده که از جمله خرابه زنگی احمد یا چاه زنگی و غیره است.

در روی نقشه راههای لوت جنوبی به درستی ضبط است ولی مسیرها کامل نیستند. بیشتر این راهها را با اندکی انحراف با ماشین میتوان پیمود. دو خط شرقی غربی با انحنائی بسمت جنوب، مغرب لوت را به مشرق دشت پیوند میدهند. راه شمالی همان مسیر کشیت به بلوچ آب - نصرت آباد و نخيله است که از کشیت تا بلوچ آب را با ماشین میتوان طی کرد ولی از بلوچ آب به نصرت آباد که همان راه کوچه باشد بواسطه رشته‌های ماسه راه، شتررواست، این راه امتدادی

بسوی جنوب دارد و در محل گرگ به شاهراه زاهدان میرسد. راه جنوبی از بم به دارستان و از آنجا به شورگز با ماشین قابل عبور است و راهی از فهرج به دارستان است. برای تکمیل این نقشه باید راههای زیر را اضافه نمود.

اول - از آبادی وکیل آباد کنار جاده زاهدان راهی بسوی دارستان است. در جنوب وکیل آباد بفاصله ۲۰ کیلومتر، آبادی چغوك آباد است که محل شهر قدیمی نرماشیر در آنجاست و این راه مرحله اول راه نواست که از نرماشیر به دارستان بوده است.

دوم - از دارستان راهی مستقیم به بلوچ آب است و این راه در طول مسیلی است که در روی نقشه هم ثبت شده و با ماشین هم میتوان طی کرد و این مسیر مرحله دوم راه نو است.

سوم - از فهرج کنار راه زاهدان و همچنین از آبادی مجاور آن عباس آباد راهی به بلوچ آب است که از دشت خشک لوت جنوبی می گذرد و این راه را نگارنده برای رفتن به بلوچ آب برگزیده بود. در طول این مسیر اسامی چاه محمد علیخان و خرابه زنگی احمد و بلوچ آب در روی نقشه ثبت است و به تازگی در این راه در محلی که مسیلهای کوه جمالی بهم می رسند آبادی جدید الولاده ای بنام شاهرخ آباد پیدا شده است.

چهارم - از ایستگاه شورگز و كهورك در کنار راه زاهدان يك راه غربی مستقیم روبه بلوچ آب است و با التفات به اینکه از شورگز و كهورك راههای دیگر به جنوب شرقی لوت و بزمان و بلوچستان برقرار بوده می توان از خبیص به بمپور از این طریق رفت.

راههای حواشی جنوبی لوت را از جهت ارتباط با خارج در فصلی جدا خواهیم دید و در این مقال بلوچ آب را ایستگاه نموده و راه شمال را که تنها مسیر ارتباط بین لوت جنوبی و لوت شمالی بوده است بررسی می نمائیم.

راه نو

جغرافی نویسان سده چهارم، در ذکر راههای بیابانی ایران در فصل آخر، راهی را بنام راه نو بین نرماشیر و ده سلم ضبط کرده اند که نوشته آنها درباره این راه از چند سطر تجاوز نمی کند ولی نظر به اینکه این راه يك بزرگ راه تاریخی بین کرمان جنوبی و هرات بوده است و از قلب لوت گذر داشته مورد توجه بسیاری از سیاحان و نویسندگان افتاده و هر کدام به نحوی درباره آن سخن رانده و مسیر

آنها توجیه کرده‌اند. در نقشه ضمیمه به مقاله دکتر الفونس گابریل در باره لوت جنوبی (۱) مسیر فرضی این راه ضبط است.

اهمیت بازرگانی این راه را دردنیای قدیم نباید از نظر دور داشت. بزرگترین مرکز اقتصادی کرمان در دوره اسلامی نرماشیر بوده است. که کالاهای گرمسیری آن خواه از محصول منطقه و خواه از فراورده‌های سندوهند در خراسان خریدار فراوان داشته است. دو راه ارتباطی بزرگ از دوطرف دشت لوت بم و نرماشیر را به خراسان مربوط میداشته که هر دو راه بس دراز بوده‌اند. راه اولی از بم و نرماشیر به کشیت و از راه تکاب به خبیص و بسوی خراسان در طول شبکه راههای لوت شمالی و راه دومی از بم و نرماشیر در حاشیه شرقی لوت به ده سلم و هرات. از راه اولی خبیص تاده سلم ده روز است و تاخوسف همین میزان و از راه دومی هم کمتر از ده روز نیست و اگر بتوان از نرماشیر به خط مستقیم روبه شمال شرقی رفت این دوری را شش روزه طی کرده و راه بس کوتاه خواهد شد و باین جهت آنها راه نو گفته‌اند ولی سابقه آن بس دراز و با ملاحظه میل‌های راهنمای ساسانی در بلوچ آب باید گفت که حتی قبل از اسلام هم این راه شناخته و پرداخته بوده است.

نوشته اصطخری وابن حوقل و مقدسی در باره این راه شبیه بهم است. اصطخری گوید از نرماشیر تادارستان يك منزل و آن دهی است که نخلستان دارد و از آنجا بعد جائی مسکونی نیست و تا راس الماء يك منزل که در آنجا آب چشمه‌ای در حوضی جمع شود و از راس الماء طول بیابانی مخوف را چهار روزه گذشته و به ده سلم می‌رسند. ده سلم جزء کرمان است و از آنجا تاهرات ده منزل است. برای تکمیل این شبکه اصطخری وابن حوقل و مقدسی راه حاشیه شرقی بین ده سلم و اسپی را ۵ مرحله دانسته‌اند ولی مقدسی راه نو را بین هرات و ده سلم نوشته است. چهار نام موجود در طول راه که نرماشیر و دارستان و راس الماء و ده سلم است باید مسیر راه را نمایان سازند. از این چهار نام دو محل معروف و موجود است. از شهر قدیم نرماشیر نامی بجا مانده که بر بخشی تعلق دارد و در این بخش خرابه‌های فراوانی از اعتبار منطقه در دوره پیش از اسلام و بعد از اسلام حکایت دارند. خرابه‌های نرماشیر ساسانی و اسلامی در نزدیکی آبادی چغوک آباد در نرماشیر است.

شناسائی مسیر این راه آسان است زیرا با ملاحظه عوارض طبیعی زمین قوافل گمراه نمی‌شدند ولی هیچ يك از مسافران لوت از آن نگذشته‌اند و آلفونس

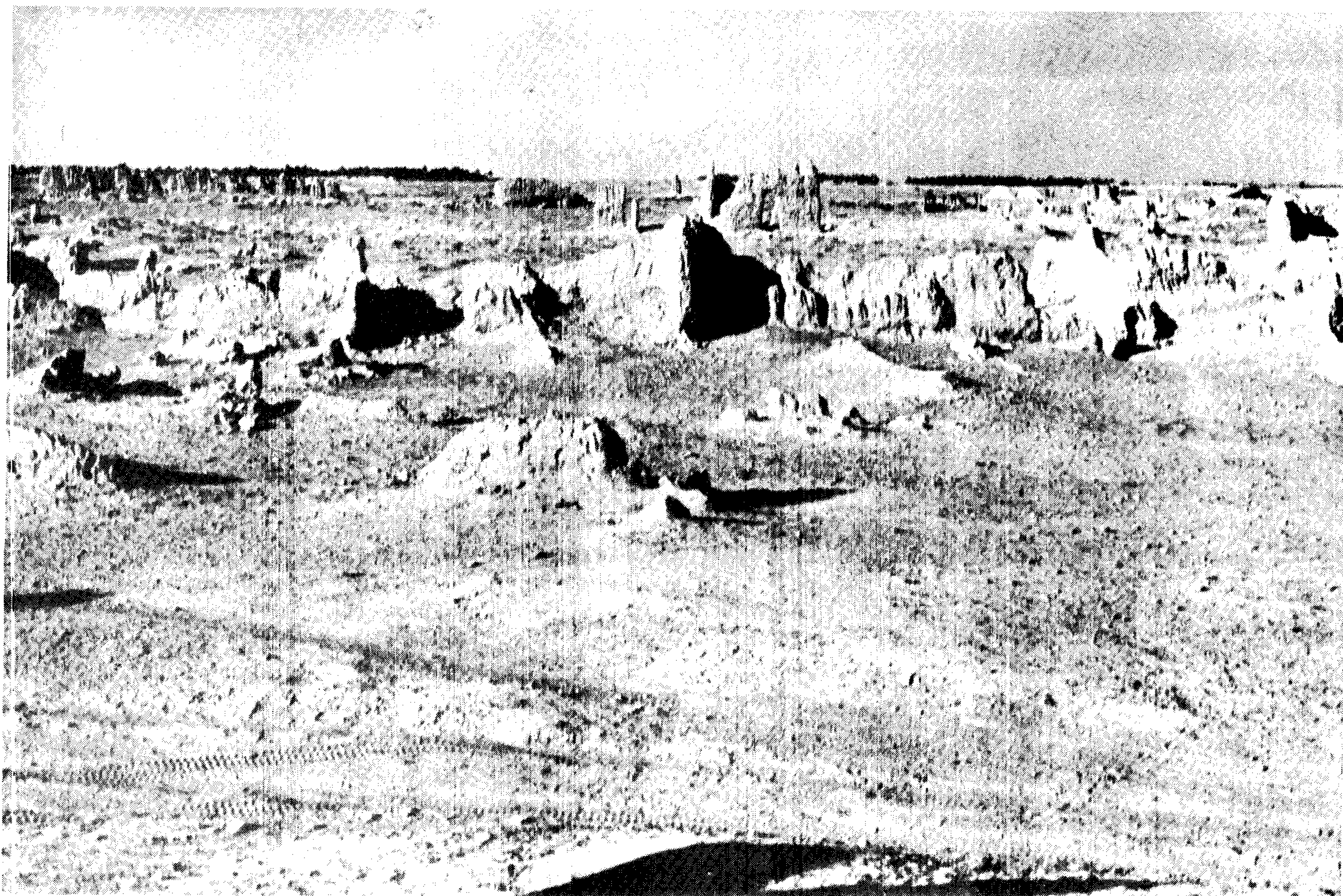
گابریل در سفر خود بین چاه گرسفید و کشیت آنرا بریده و ناآگاهانه در طول آن رفته است و حتی سنگ چین علامت راه را مشاهده کرده ولی بوی گفته اندسنگ چین ها را دزدان بلوچ برای هدایت خود ساخته اند. راقم این سطور با هلیکوپتر و با ماشین و با شتر مسیر راه را پیموده و می تواند وضع آنرا توصیف نماید.

بخش اول راه بین نرماشیر و دارستان جزء راههای روستائی موجود است. در بخش دوم راه بین دارستان و بلوچ آب باید در طول مسیل خشک بم وارد دشت لوت شد و مشکلی در پیش نیست مگر یافتن محل ناشناس راس الماء. در بخش سوم راه، از چاله زنگی احمد روبه شمال به دره شورگز رسیده و از دره شورگز تا مصب آن بین توده های ماسه و بریدگیهای کلوت است. بخش چهارم راه در دشت لوت مرکزی در بیابانی هموار است و نشانی راه کوه ملک محمد در جلو است. بخش پنجم راه در شمال کوه ملک محمد در لابلا تپه های آتش فشانی تا کوه گرسفید یا از جنوب گرسفید مستقیم به ده سلم است.

پیش از توصیف راه از ذکر این نکته ناگزیر است که بخش ثابت راه بین راس الماء تا شمال شورگز هامون است زیرا از دشت کوه ملک محمد می توان به سوی غرب رفت و به راه خبیص به ده سلم رسید یا آنرا در گوجار بریده و روبه شمال به راه خوسف افتاد. از چاه گرسفید می توان آب برداشت و بدون ورود به ده سلم در راه نیه قدیم افتاد و به نیه رفت و از آنجا به فراه و سپس به هرات رسید. در بخش اول راه هم میتوان برای وصول به راس الماء از راههای دیگر لوت جنوبی بشرحی که گذشت باین محل رسید و عازم ده سلم گردید.

نرماشیر

در راه بم به زاهدان از آبادی عزیزآباد در ۴۰ کیلومتری بم بطرف جنوب غربی رفته و در فاصله ۲۰ کیلومتری روستائی بنام چغوک آباد است. بین چغوک آباد و قلعه خان و شمس آباد خرابه های زیادی است که نام بخصوصی ندارند و در آنجا محل شهر قدیمی نرماشیر است. بخش مشخص خرابه هادرروی بلندی یعنی صفه ای به ارتفاع ۳ متر است که در آنجا ارگ ساسانی نرماشیر قرار داشته و از بنای مذکور تنها يك بدنه دیوار به بلندی ۷ تا ۸ متر بجا مانده که در آن خشت های قطور ساسانی بکار رفته و محل دروازه ورودی با ضربی مشخص ساسانی آشکار است. این دیوار ضلع شمالی قلعه بوده و در ضلع جنوبی دویایه در گوشه جنوبی و وسط بنا باقی است. ضخامت دیوارها در حدود يك متر و نیم



شکل ۲۸۲ - خرابه های شهرنرماشیر قدیم مجاور آبادی چغوک آباد .



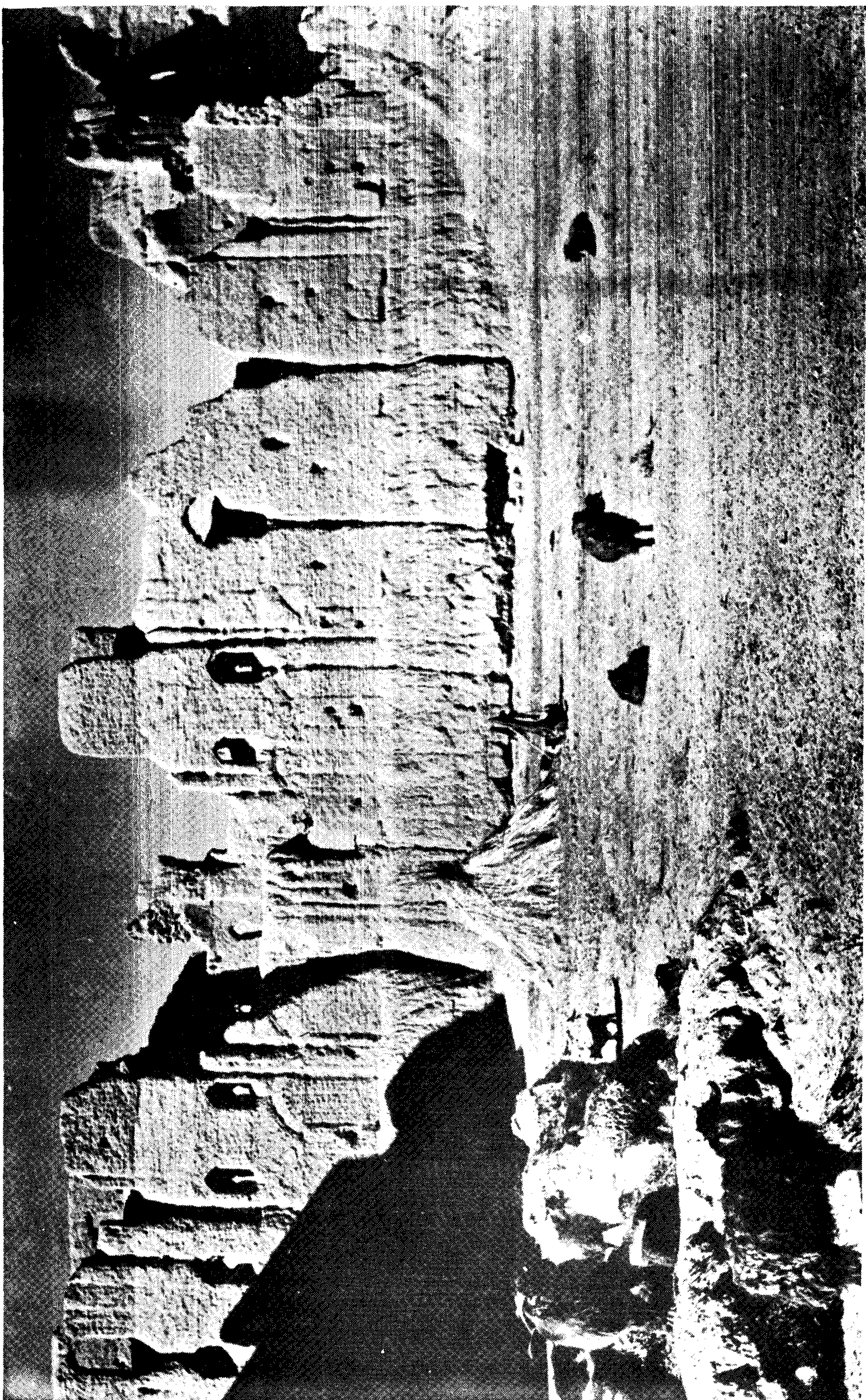
شکل ۲۸۳ - بقایای شهرنرماشیر دوران مسلمین .



شکل ۲۸۴ - ارگ ساسانی در نرماشیر پیش از اسلام .



شکل ۲۸۵ - دروازه ارگ ساسانی در نرماشیر .



شکل ۲۸۶ - قلعه خرابه سرینساد زرتشتییر .



شکل ۲۸۷ - قلعه مخروبه اسلامی در سرزسا

و از وضع دروازه و وسعت آن معلوم است که قلعه ساسانی جای معتبری بوده. در اطراف ارگ، در وسعت زیادی خرابه‌های پیش و بعد از اسلام پراکنده است که بررسی آنها در خور زمانی دراز است زیرا محدوده خرابه‌ها از دو کیلومتر متجاوز است و تنها بنای پابرجا مقبره‌ای است گلی با سقف گنبدی ضربی که به ملاسراج-الدین تعلق دارد.

سوابق تاریخی و اهمیت بازرگانی نرماشیر در مقال دیگری آمده (۱) که تکرار آن در اینجا بی‌مورد است ولی بناچار باید چند نکته را یادآور شوم. هیچ توصیفی از خرابه‌های نرماشیر ضبط نشده و سرپرسی سایکس هم که از آن حدود گذشته آنجا را ندیده و گوید که خرابه‌های قدیم نرماشیر را چغوک آباد گویند. نوشته سایکس را گوی‌لو استرانج (۲) مورد استناد قرار داده و شاهد آورده است ولی چغوک آباد روستای آبادی در کنار نرماشیر قدیم است و ربطی به آن محل ندارد.

المقدسی توصیف جامعی در باره نرماشیر دارد که نرماشیر یکی از پنج ناحیه کرمان ذکر گشته و چهار ناحیه **سیرجان** و **بردسیر** و **بم** و **جیرفت** بوده‌اند و گوید مرکز نرماشیر شهری است بهمین نام و از توابع آن **باهر** و **کرك** و **ریگان** و **نسا** است. طبق گفته وی شهری بزرگ با جمعیت زیاد و بنای عظیم بوده که در آن بازرگانان معتبری با اموال فراوان سکنی داشته که متاع خراسان برای صدور به عمان در آن انبار می‌گشته و حجاج سیستان از طریق آن عازم مکه شده و امتعه هندی و خرماي کرمان بدان می‌رسیدند و زنهای نرماشیر فاسد بودند. نرماشیر حصاری با چهار دروازه داشته که **دروازه بم** و **دروازه صورکون** و **دروازه مصلی** و **دروازه کوشک** باشند. مسجد جامع در وسط بازار و در جلوی آن پلکانی باده پله به مسجد می‌رسیده و مسجد، منار زیبایی داشته که در آن حدود بی‌نظیر بوده است. قلعه معروف نرماشیر **گوشواران** نام داشته و در کنار دروازه بم، سه کوشک بنام سه دختر آورده و اطراف شهر باغ و نخلستان فراوان بوده است.

قلعه گوشواران المقدسی شاید بنای قدیمی شهر، یعنی شهری که اردشیر بانی آن بوده باشد که همان ارگ مخروبه ساسانی است و سه کوشکی که بنام سه خواهر ضبط است از بناهای قبل از اسلام بشکل سه‌دیر بوده که اثری از آنها بجا نیست. وجود زنان فاسد نیز از شرائط اجتماع در محیطی است که مردم ثروتمند و تجار عمده از آن‌گذر دارند. المقدسی درباره حمل خرما گوید. شتردارها

۱ - گزارشهای جغرافیائی شماره ۱ - لوت‌زنگی احمد بقلم احمد مستوفی

۲ - سرزمینهای خلافت شرقی

حمل و فروش خرما را در خراسان بعهده دارند و هرسال پیش از هزار شتر خرما به خراسان برده می‌شود و درآمد آن بالمناصفه بین مالک و شتردار تقسیم میگردد و هر شتر يك دینار عوارض به پادشاه می‌دهد .

البته هزارشتر حامل خرما همه از راه نو عازم خراسان نمی‌شدند ولی اگر بخشی از این شماره راه نو را در پیش داشته‌باشند باملاحظه سایر مواد گرمسیر از قبیل شکر و رنگ و حنا و پارچه و غیره باید رفت‌وآمد معتبری دراین راه برقرار شود. زمان نابودی نرماشیر به درستی معلوم نیست. مسلم اینکه در فتنه غزها نرماشیر آباد بوده است، زیرا وقتی لشکر خوارزمشاه به سرکردگی جمال‌الدین جلال‌الوزاره برای برانداختن غزها از خراسان به کرمان آمد، بنابگفته محمدبن ابراهیم غزها در حصار سه خواهران نرماشیر پناه بسته و حصارى شدند و در آن زمان باید قلعه آباد بوده باشد لابد پس از تاراج غزها نرماشیر دیگر اعتباری نیافت .

دارستان

منزل دوم راه‌نودارستان واقع در شمال شرقی بم است. اصطخری گوید از آنجا به بعد هیچ آبادی نیست. امروز هم پس از گذشت هزار سال آخرین آبادی کرانه دشت‌لوت در سمت بم، دارستان است. دارستان حاضر از چند آبادی تشکیل یافته که اولین آنها دارستان بالا با ۷۰ نفر جمعیت و ۶ کیلومتر دورتر دارستان پائین با ۲۳۰ نفر سکنه و نزدیک آن رحمان آباد و علی آباد است. این آبادیها قلعه‌وقناتی دائر دارند و در آنها کم‌وبیش گندم و جو و یونجه کاشته می‌شود ولی نخلستان‌ها رونقی ندارند و بر روی هم محل‌های آبادی نیستند. مسیل بزرگ بم پشت از نزدیک این آبادیها گذشته و در کنار آن مزرعه تازه یزدان آباد مسکونی نیست، تنها دو کارگر دارستان روزها برای کارهای زراعی به آنجا می‌روند. بعد از یزدان آباد مسیل بم از تنگه‌ای گذشته و روبه شمال شرقی وارد لوت‌زنگی احمد می‌شود و راه نو از کنار این مسیل به سوی بلوچ آب است .

در اطراف دارستان امروز خرابه‌ای مشهود نیست ولی در راه بم به فاصله ۴ کیلومتر تل‌ها و پشته‌هایی است حصاری شکل که ریشه بناهای ویران را در بر دارند و به این محل **شهر سوخته** گویند زیرا در شکاف‌ها و شیارها که توسط باد و سیل بجا مانده‌اند و در زمینهای کویری و شنی و ماسه‌ای تکه‌های ذغال چوب و پارچه سوخته فراوان است. در بررسی اجمالی محل در سطح زمین استخوانهای پراکنده انسان و حیوان و تکه‌های مرمر تراشیده و شکسته و ظروف آبخوری بدست

آمد. چند تکه سنگ شبیه به هاون و پاشنه در جزء آنها بود. در چاله‌ها آثار خاك پخته و سوخته قرمز، مانند کف یا بدنه کوره پیداست. شك نیست که دارستان يك محیط زندگی ماقبل تاریخ داشته ولی از آثار تاریخی خبری بجانیست. کاوشهای باستان شناسی باید نکات جالبی را درباره زندگانی مردم این گوشه لوت روشن دارند.

راس‌الماء

منزل اول از نرماشیر تا دارستان ۷ فرسخ است و منزل دوم از دارستان تا راس‌الماء باید در همان حدود باشد. مسیر راه سمت بلوچ آب است و در هفت فرسخی دارستان میل محمدعلیخان و بلوچ آب واقع می‌شوند. تعیین محل راس‌الماء یا سرآب مشکل بزرگ شناسائی راه بوده. اصطخری می‌نویسد: «در آنجا چشمه‌ای است که آب آن در حوضی جمع می‌شود». توماشک در بررسی محل راس‌الماء از متن اصطخری سوء تعبیر کرده و گفته آب از شکافی ظاهر می‌شود و محل راس-الماء را چشمه بلوچ آب دانسته. دکتر الفونس گابریل در تفحص خود نخست سرآب را در نازی آب قرار داده و پس از وصول به بلوچ آب آنجا را محل سرآب شناخته است. بررسی اجمالی محل و وضع چشمه بلوچ آب یا آب شیرینك خلاف این فرض را ثابت میدارد.

بلوچ آب حاضر چشمه آب جاری به مفهوم درست کلمه نیست و از آن آبی ظاهر نمی‌شود. در یکی از مسیل‌های مخروط افکنه فاضل آب بم در محلی که گودی مسیل به ۲ مترونیم می‌رسد، در بستر شنی و ماسه‌ای آب در گودی کمی وجود دارد که اگر زمین را يك متر بکنند آب ظاهر است و گاهی در بستر مسیل لکه‌های آب پیداست که شترها از آن برخوردار می‌شوند ولی بدون لاروبی آبی آشکار نیست و به زمین نمی‌رسد، چنانچه در سفر دوم نگارنده به بلوچ آب چشمه خشك بود. در لوت زنگی احمد در زمان حاضر تنها آب آشامیدنی همین است که بواسطه کمی نمك آب شیرینك نام گرفته. چشمه موجود نمی‌تواند جوابگوی قافله بزرگی باشد و مقدار آب، با نوسانات سفره آب و وضع بارندگی رابطه دارد. اگر آب زیاد باشد در بستر دره جریان یافته و گفته اصطخری که آب در حوضی جمع شود معنی ندارد و در وضع حاضر آب جریان ندارد. واگر سیلی در دره افتاده چشمه بکلی کور خواهد شد و چند سال خشکی چشمه را فنا خواهد کرد. به جهات فوق هیچ اعتباری به چشمه بلوچ آب نیست تا قوافل به امید آن از ده سلم به آنجا بیایند. گفته اصطخری در باره راس‌الماء یا سرآب شبیه به توصیف وی از سرآب دیگری سرراه خبیص به خوسف است که گوید در آنجا آب در حوضی جمع شود

و رباطی دارد که یکی دوتن در آن زندگی دارند. بابررسی منطقه بلوچ آب نگارنده محل راس الماء را در قلعه شکرو مخروبه قرار میدهد که در شش کیلو- متری جنوب چشمه بلوچ آب واقع است زیرا:

۱ - بنابه گفته اصطخری که آب در حوضی جمع می شود باید قبول کرد که راس الماء مسکونی بوده و لابد یکی دونفر در آنجا اقامت داشته اند و گرنه آب چشمه جمع نمی شد و لابد حوض که در واقع استخر کوچک است برای انبار کردن آب است که قوافل به آسانی از آن آب بردارند و اگر زیاد باشد برای زراعت از آن استفاده گردد.

۲ - در جلوی قلعه شکرو آثار ناروشن از بنائی ویران است که تنها برجستگی پشته ها محل سابق حصار کوچک را معلوم میدارد و در داخل قلعه شکرو در کف بناها سنگهای لاشه سیاه رنگ بطور نامنظم بکار رفته که از بقایای خرابه های نامعلومی بدست آمدند و چون در خرابه جلوی قلعه، سنگی آشکار نیست در آنجا به تحقیق سه بنادرادوار مختلف ایجاد شده که بنای بسیار قدیمی همان تل های جلوی قلعه است و بنای دومی با سنگ لاشه بوده و خرابه موجود بنای آخری است .

۳ - با شرائط آب و هوائی محل، چاه و چشمه در بلوچ آب بهر صورت باشند به مرمت و حفاظت پی گیر نیاز دارند زیرا طوفانهای شن وسیل های مهیب خطر بزرگی برای آنها به شمار رفته و اگر راس الماء منزلی سر راه بوده است بناچار باید از آب کافی و دائمی برخوردار باشد و این مقصود جز با وجود نگاهبانی برای چشمه میسر نیست .

۴ - قلعه شکروی حاضر یا خرابه زنگی احمد با بقایای نخل های جلوی قلعه و نهر آب که از بستر مسیل جنوب قلعه سرچشمه داشته و آثار حوض آب جلوی قلعه و نهر زراعی که از حوض به زمینهای ماسه ای شمال قلعه راه داشته يك محل مسکونی و زراعی بوده که شاید تا چند سال قبل کسانی در آنجا اقامت داشته اند. پایه نخل در بیابان غربی قلعه و تل های ویران مشرف بدان حاکی از وسعت منطقه مسکونی بوده است که البته این آثار مربوط به زمانی نزدیک است و نمی توان به کیفیت زندگی در آن محل در هزار سال قبل پی برد ولی عارضه ثابت زندگی همانا حوض آب جلوی قلعه است که در این مدت دراز بطور مستمر یا نامستمر آب چشمه را انبار می کرده است و گمان اینکه حتی در دوره پیش از اسلام چشمه سر- آب وجود داشته و با ملاحظه وجود چشمه، میل راهنمای محمد علیخان یا رحیم داد را مقابل آن ساخته اند .

۵ - دروازه ورودی قلعه خرابه شکرو روبه شمال شرقی است و میل ساسانی

محمد علیخان بفاصله ۳ کیلومتر در جلوی آن است و پشت قلعه راه دارستان توسط تپه‌های کوه جمالی مشخص است. اگر از دره شورگز از راه شمال وارد چاله زنگی‌احمد شویم چون چشمه سرآب در دشت قرار دارد، هیچ نشانی برای یافتن جهت چشمه هویدا نیست ولی برج راهنمای ساسانی پیداست و اگر قوافل روبه‌میل روند از پای میل چشمه‌سرآب و راه دارستان را خواهند شناخت. گمان اینکه بنای برج راهنما که خود دو طبقه داشته با اطاق زیر و پله‌کان و محل‌دیده بانی برای نمای راه دارستان و چشمه‌سرآب بوده خاصه در مواقع طوفان، تشخیص جهات بسیار دشوار است.

از مشاهدات بالا باید نتیجه گرفت که راس‌الماء اصطخری در مسیل جنوب قلعه شکرو بوده، البته امروز آبی در محل مشهود نیست ولی وجود درختان گزو گیاههای زیاد و زمین کویری چال که در کنار آن نهر قدیمی به شکل پشته‌ای ماسه گرفته است بر وجود آب زیرزمینی فراوان دلالت دارند. شاید زمان توصیف راس‌الماء اصطخری مصادف با خرابی محل باشد ولی به تحقیق در موقع بنای میل راهنما چشمه راس‌الماء آباد بوده و بعد در چند دوره در آنجا فعالیت صورت گرفته که حتی باکشت درختان خرما و بنای قلعه آنجا محلی آباد گشته است. دوره آبادانی باید دراز بوده باشد و گرنه درختان خرما تنه‌های بزرگ و ستبر نداشتند. گفتیم که بلوچ‌آب یکی از مراکز عمده برخورد راهها در لوت جنوبی بوده است. اهمیت این موقع جغرافیائی شاید پیش از اسلام بیش از زمان اصطخری بوده و با ملاحظه چنین موقعی میلهای راهنما در اطراف راس‌الماء بنا گشته‌اند. میل رحیم‌داد یا محمدعلیخان راه نو و راه فهرج و راه شورگز و راه اسپه‌رامشخص می‌داشته و در روز روشن، اول صبح که آسمان خالی از غبار باشد از میل رحیم‌داد میل نادر را میتوان دید و البته میل بلوچان در شمال بلوچ‌آب که بفاصله ۱۰ کیلومتر است بخوبی نمایان است. قوافل اسپه که از جنوب چاله زنگی‌احمد می‌آیند از دور میل را دیده و جهت خود را بسوی کشیت و خبیص یافته و می‌دانند که باید میل اول را دور زده و از دست چپ میل دوم بسوی کشیت روند. هم‌چنین مسافران بم و نرماشیر پس از وصول به بلوچ‌آب اگر عازم کشیت باشند روبه میل بلوچان می‌روند و قوافل راه‌نو که از راه شمال آمده‌اند در داخله چاله از دور میل بلوچان را دیده و برای رفتن به کشیت به سوی آن می‌روند.

میل رحیم‌داد سالم‌تر مانده و بلندی کنونی آن در حدود ۸ متر است که بهر بالای آن فرو ریخته و بواسطه فرسایش بدنه از قطر آن کاسته شده و حجم اصلی برج در روی زمین هویدا است که شعاع آن شاید بیش از ۴ متر بوده است. در طبقه پائین اطاقی داشته که نابود شده ولی خشت‌های قطور ساسانی دیوار

اطاق دیدنی است. از کنار اطاق پله‌کانی پیچان به بالاراه داشته که هنوز در جاهائی سقف ضربی پله‌کان بجاست و در سربرج اطاقکی برای دیده‌بانی بوده است. میل بلوچان بفاصله ۱۰ کیلومتر در شمال، در لبه چاله زنگی احمد بسیار مغروبه گشته و بلندی موجود در حدود ۳ متر و قطر آن در کف به ۴ متر می‌رسد. برج از پائین به بالا شکافته شده و محوطه داخلی نمایان است. شدت وزش باد-های شمالی سربرج را تراشیده و شکل خمیده بسوی جنوب بدان داده است. نکته آخری در خور یادآوری، نام بلوچ‌آب و قلعه شکرو است. بلوچ‌آب نامگذاری تازه است و بسیاری از مکانهای آبدار در اطراف دشت لوت نام بلوچ آب یا آب بلوچان یا چاه بلوچ دارند. البته علت این است که همواره در اطراف محل تعدادی بلوچ دیده می‌شده و نام قلعه شکرو که لابد جدید است رابطه‌ای با راس‌الماء قدیم دارد و آن اینکه شکرو همان شکرآب است که در جاهای دیگر ایران هم بهمین صورت وجود دارد و مراد از آن آب شیرین است که لابد در چشمه جنوب قلعه وجود داشته و به تقلید از این اسم، بلوچ‌آب را آب شیرینک گفته‌اند یعنی آب کم‌شیرین، امار از اهالی شاه‌رخ‌آباد شنیدم که بلوچ‌آب چشمه **تلخ‌آب** است که در شمال شاه‌رخ‌آباد واقع شده و در یکی از مسیلهای رودبم قرار دارد. درخت گز در آنجا فراوان ولی آب بسیار شور و در خورشرب نیست. مشکل اصلی، یافتن نام ایرانی پیش از پیدایش اصطلاح راس‌الماء است که نمیدانم راس‌الماء ترجمه چه نامی بوده است. راس‌الماء دیگری که در شمال دشت لوت بوده نام حاضر آن **انبار** است. اصطلاح انبار از دوجت مفهوم دارد که یکی به معنی منطقه پرآب است که در زیرزمین انبار است و دیگری بمعنی آب‌انبار که همان حوض یا استخر باشد چون در هردو مورد آب چشمه در حوض جمع می‌شود. هیچ حدس دیگری در این باره نتوان آورد.

راه شور گز

از راس‌الماء تا ده‌سلم را اصطخری چهار روز راه بیابانی دشوار ذکر کرده و هیچ توضیحی درباره آن راه نداده. شناسائی مسیر آسان و چهار عارضه در طول آن دیده می‌شود که اول چاله زنگی‌احمد و دوم دره شور گز و سوم دشت مرکزی و چهارم تپه‌های آتش‌فشانی است.

چاله زنگی‌احمد که حوضه انتهائی مسیلهای بم است، زمینی کویری بادق‌های ماسه‌ای دارد که از برکت آبهای زیرزمینی در آنجا گز و شور فراوان است. محدوده چاله توسط بریدگی شیبی مشخص است که در شمال چاله تپه‌هایی از دشت است

که پشت آنها دره شورگز قرار گرفته. از تپه‌های شمالی چاله بریدگی‌شیب اطراف آشکار است و در غرب چاله از دورمیل بلوچان را میتوان دید که اگر از آنجا مستقیماً روبه میل روند در دنبال این جهت بسوی جنوب غربی به راس‌الماء خواهند رسید. شاید اگر میل‌های راهنما نبودند قوافل خراسان در داخل چاله برای یافتن راس‌الماء سرگردان می‌شدند ولی از جنوب به شمال یافتن راه آسان است. از تپه‌های جنوبی دره شورگز باید گذشت و وارد دره شورگز گردید.

مستوفی آب

بخش دوم، راه در طول دره شورگز است که بستری پهن از کویر ماسه گرفته دارد و گیاه در آن فراوان است. ده کیلومتر دورتر مسیل خشکی از دشت شرقی و از لابلای ریگ به دره شورگز میرسد و در آنجا چند تپه کلوت است که شکل میل دارند و دکتر گابریل به اشتباه آنها را میل راهنما دانسته و ساخته دست انسان تصور کرده است. در دو طرف دره رشته‌های ماسه پراکنده است و شورگز به دشواری مسیری بین ماسه‌ها باز کرده است. دره شورگز گاهی گود و جدارهای آن تیز است و راه از دشت کنار مسیل روبه شمال می‌رود. در یکی از پیچهای دره جایی که گودی ۶ تا ۱۰ متر است چاله‌ای با آب شور وراکد است. این چاله ۳۵ متر طول و ۱۰ متر عرض دارد. اطراف آن باتلاقی و رسیدن به آب دشوار است. آب بسیار شور ولی برای شترهای تشنه نعمتی است. گودی چاله در حدود ۲ متر و بظاهر تمام سال آبدار است زیرا در دو فصل اوائل بهار و اواخر پائیز که از آنجا گذشتیم توفیری در میزان آب پیدا نشده بود. از این محل تا راس‌الماء ۴۰ کیلومتر و بظاهر باید منزل اولی باشد، گواينکه اگر بخواهند چهار روزه به ده سلم برسند باید منازل درازتری در نظر گیرند. این چاله بنام نگارنده مستوفی آب نام گذاری شده است. در شمال مستوفی آب موجهای ماسه در دره ظاهر گشته و مسیر راه بین کفه‌های سفید و رشته‌های ماسه نامشخص است ولی راه در دره قرار دارد و کمی دورتر مسیل شورگز به سوی شمال غربی پیچ یافته و آنها در زمین پخش گشته و سپس به چاله درازی کنار رشته‌های کلوت تمام میشوند و این چاله را **شورگز هامون** گویند.

راه از کنار چاله کویری هامون گذشته و لبه چاله را طی کرده و به دشت میرسد. دشت مرکزی لوت زمینی گچه وریگی دارد ولی بسیار هموار است. در شمال در جلو، کوه کوتاهی بنام **ملك محمد** است و دورتر در افق تپه‌های سیاه آتش فشانی **کوه سیمرغ** است که از شرق آن باید گذشت. در دشت دیگر گیاهی

نیست و زمین لغت است. چندین مسیل از کوه ملك محمد در جهت جنوب غربی به چاله‌ای میرسند که **چاله ملك محمد** نام دارد. راه، از کنار این چاله است و اگر باید دو روز دیگر به ده سلم رسید میتوان در نزدیکی کوه بار گرفت.

مسیر راه بعد از کوه ملك محمد در کنار توده‌های ماسه قرار گرفته و از پای ماسه‌ها روبه شمال است که انتهای آن به تپه‌های آتش فشانی غرب توده ریگ می‌رسد. از کوه ملك محمد میتوان روبه شمال غربی رفت و بر حسب محل مورد نظر در راه خبیص به ده سلم افتاد. راه شمال غربی به کال گوشه و گوجار می‌رسد و از آنجا رو به شمال به طبسین یا کوه بارسك می‌رسیم و اینکه در نوشته اصطخری توصیفی از بیابان کوه بارسك و گورخارجی آمده معلوم میدارد که شاخه‌ای از راه نو، از گوجار به خوسف انشعاب داشته و گرنه توصیف بیابان شمال گوجار مفهومی ندارد. از همین راه هم میتوان به کوچه رسید و از آنجا بسوی کوه عبداللهی رفت و این مسیر راه پنهانی غارتگران لوت بوده است.

دشت لوت در شمال کوه ملك محمد چند تپه کوتاه از ریولیت دارد و در روی یکی از این تپه‌ها سنگ‌چین مخروطی علامت راه بجاست البته نباید تصور کرد که این نشانیها مربوط به هزار سال قبل باشند. لابد از دوران قدیم، راه علاماتی داشته که بتدریج تجدید بنا یافته‌اند. در پای توده ریگ روبه تپه‌های پیش می‌رویم سرایشی تندی حد فاصل بین دشت و تپه‌هاست ولی در سر تپه دو سنگ چین مشخص راه را نشان می‌دهند که باید حاشیه ریگ را رها کرد و از درون تپه‌ها گذشت. دامنه‌های ریگ پوشش گیاهی جالبی از درختان تاغ و اسکنبیل دارند و قافله تنها يك روز بی چراگاه مانده است.

دنباله راه از دشت‌ها و تپه‌های ریگی است. بواسطه برخورد ماسه‌ها با تپه‌های آتش فشانی لبه ریگ را رها کرده‌ایم و جهت راه توسط سنگ‌چین‌های نزدیک بهم آشکار است و عجیب اینکه شترهائی که در این دشت چراگاه دارند برای جابجاشدن در طول سنگ‌چین علامت راه حرکت می‌کنند و اثر پای آنها راه‌نو را تازه کرده است. در ۵۰ کیلومتری کوه ملك محمد به منزل آخرین بیابان می‌رسیم محل بار انداز پای تپه کوچکی است که زمینی هموار دارد و روی تپه سنگ چین بزرگی بجاست.

در روز آخر سفر ۵۰ کیلومتر راه در پیش است. از تپه‌ها باید گذشت و وارد چاله جنوبی ده سلم شد.

چاله جنوبی ده سلم توده ریگ را محدود کرده ولی در دشت هنوز رشته‌های کوتاه ماسه نمایان است. در این چاله درخت تاغ فراوان است و چند تپه



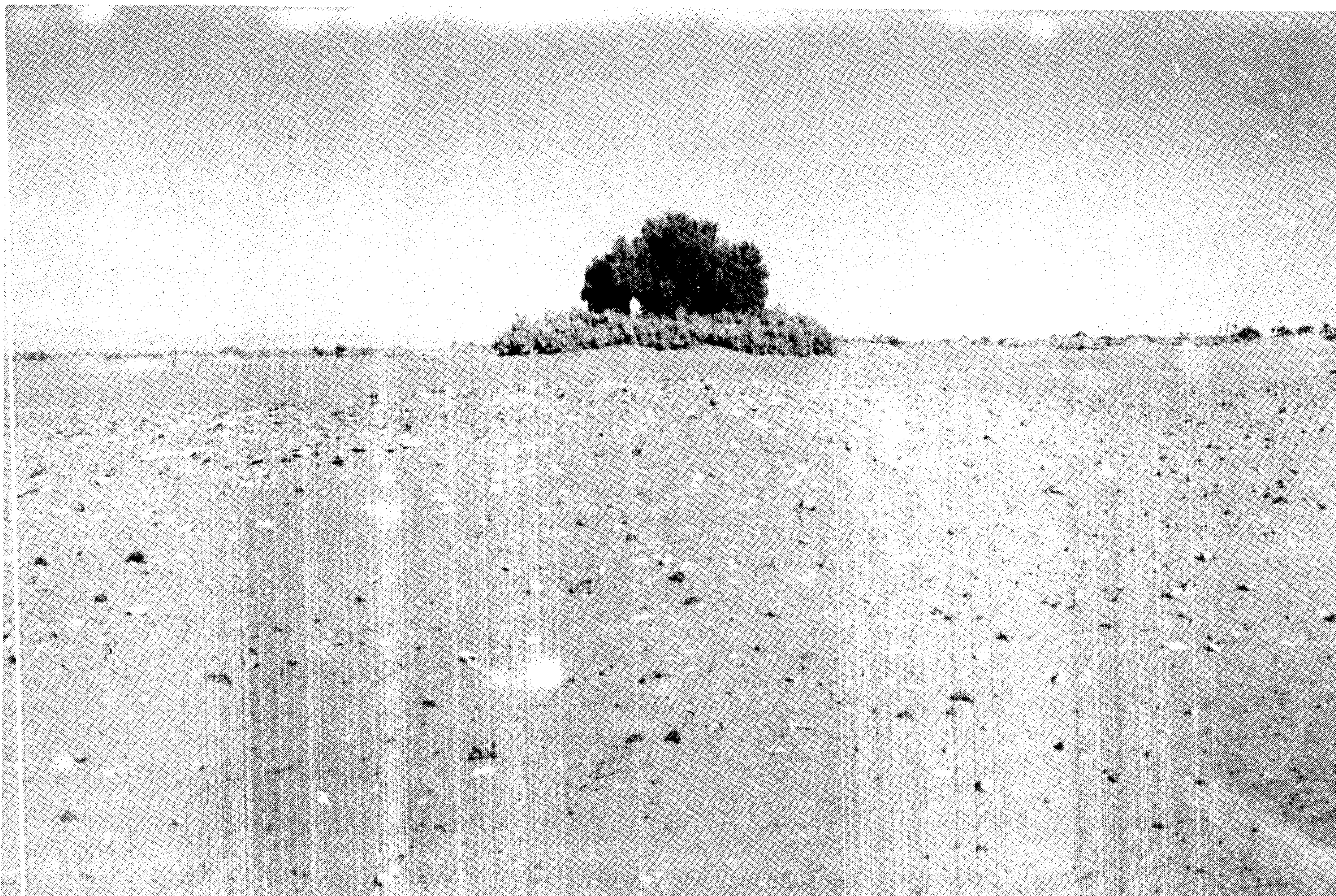
شکل ۲۸۸ - دره تلخ آب در نزدیکی بلوچ آب •



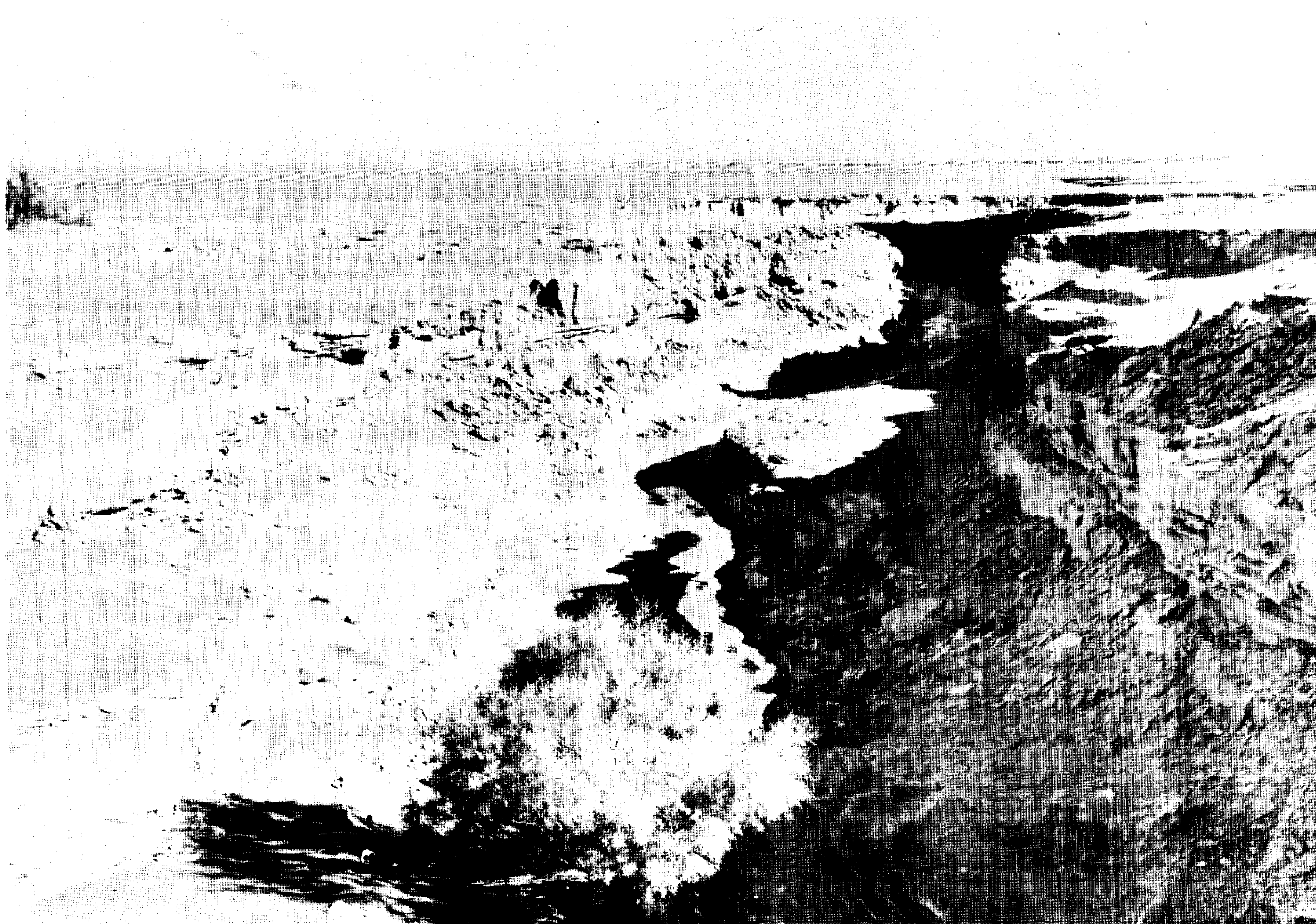
شکل ۲۸۹ - قلعه خرابه شکروند نزدیکی چشمه بلوچ آب در محل راس الما دوران مسلمین •



شکل ۲۹۰ - قلعه شکروشته سابق آبیاری راس الماء .



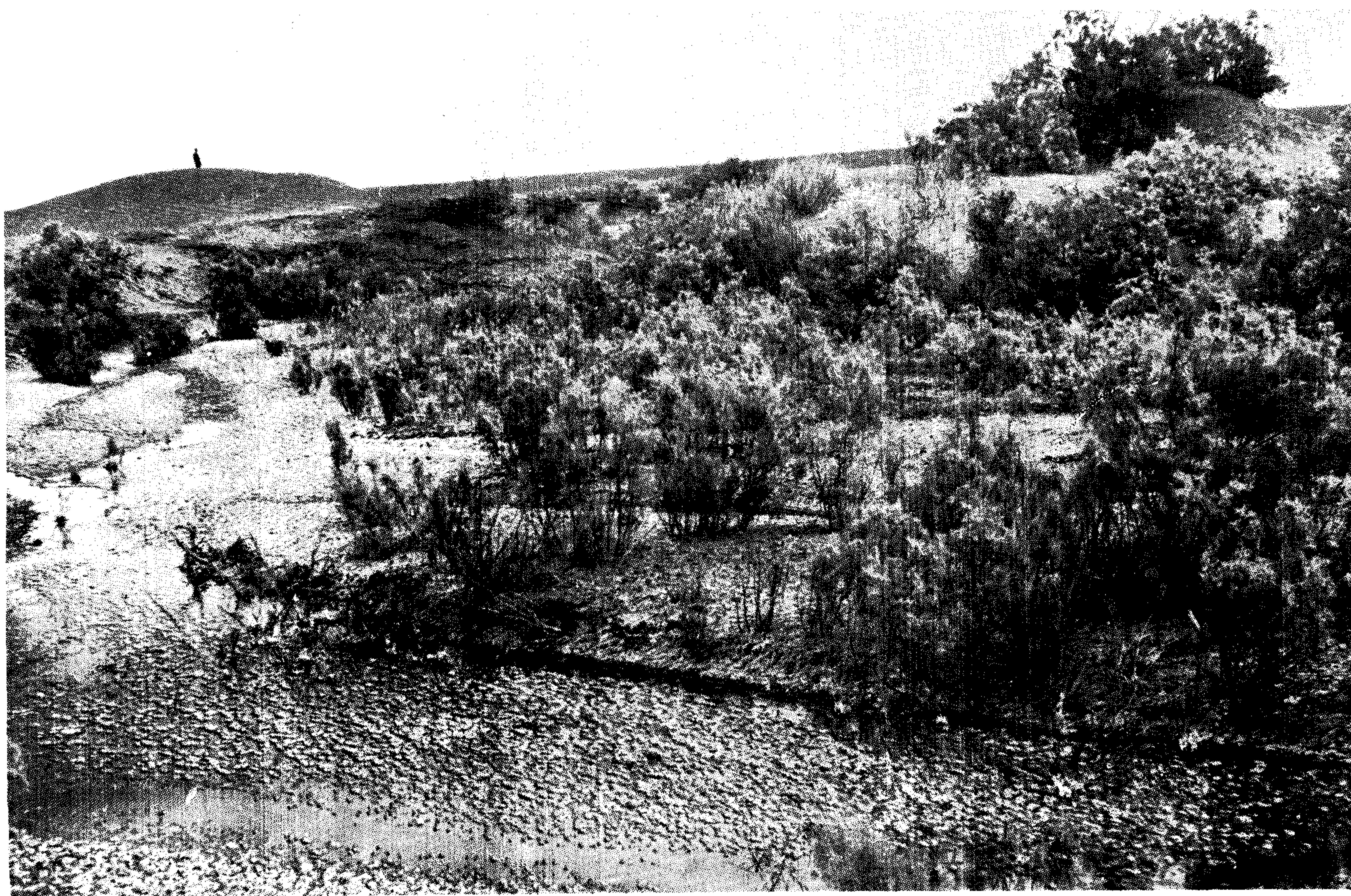
شکل ۲۹۱ - درخت نخل د ریلوچ آب از آثار دوره آبادی جدید .



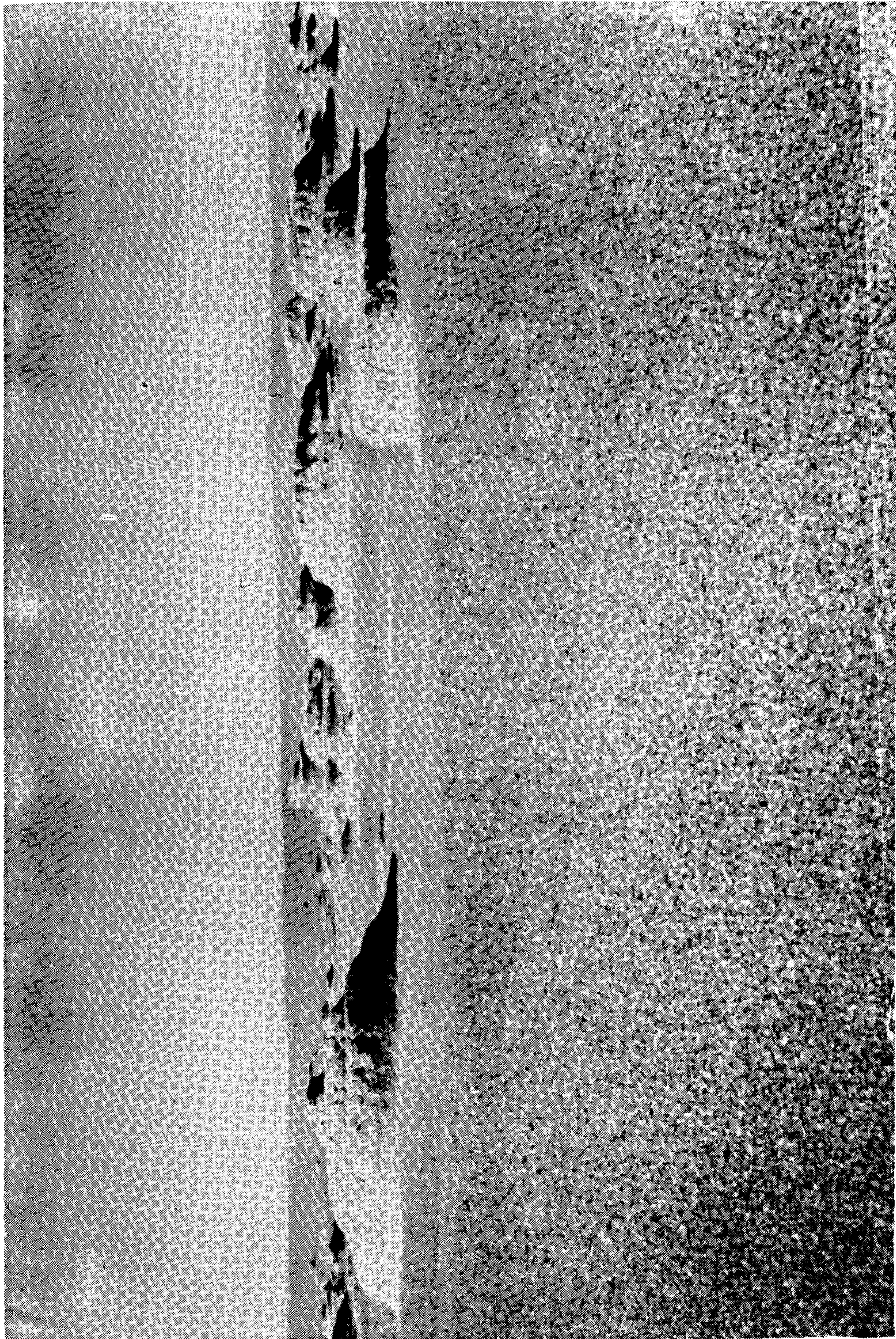
شکل ۲۹۲ - چشمه بلوچ آب یا آب شیرینک د رزمان حاضر .



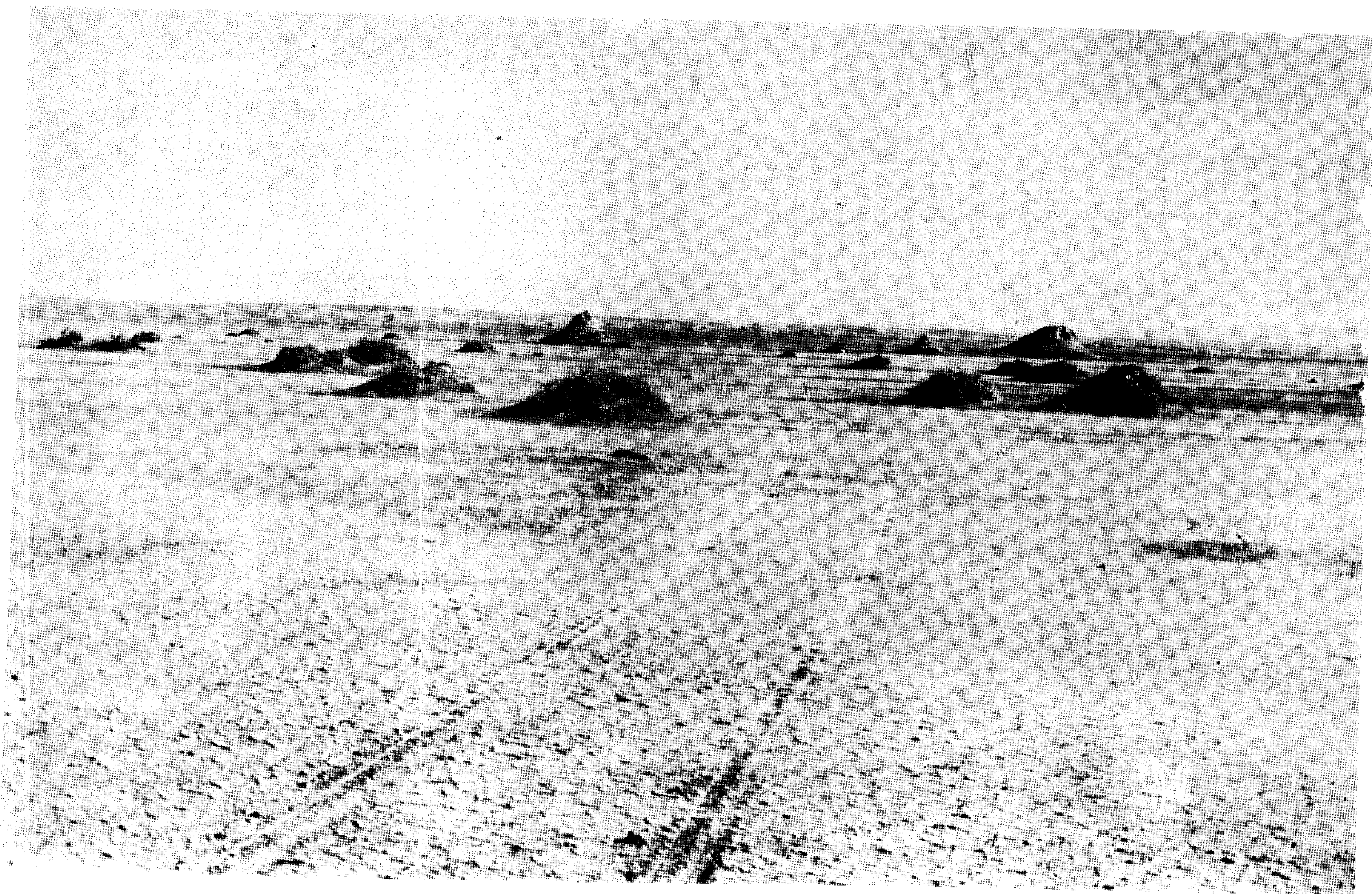
شکل ۲۹۳ - کویرهای آب شیرینک



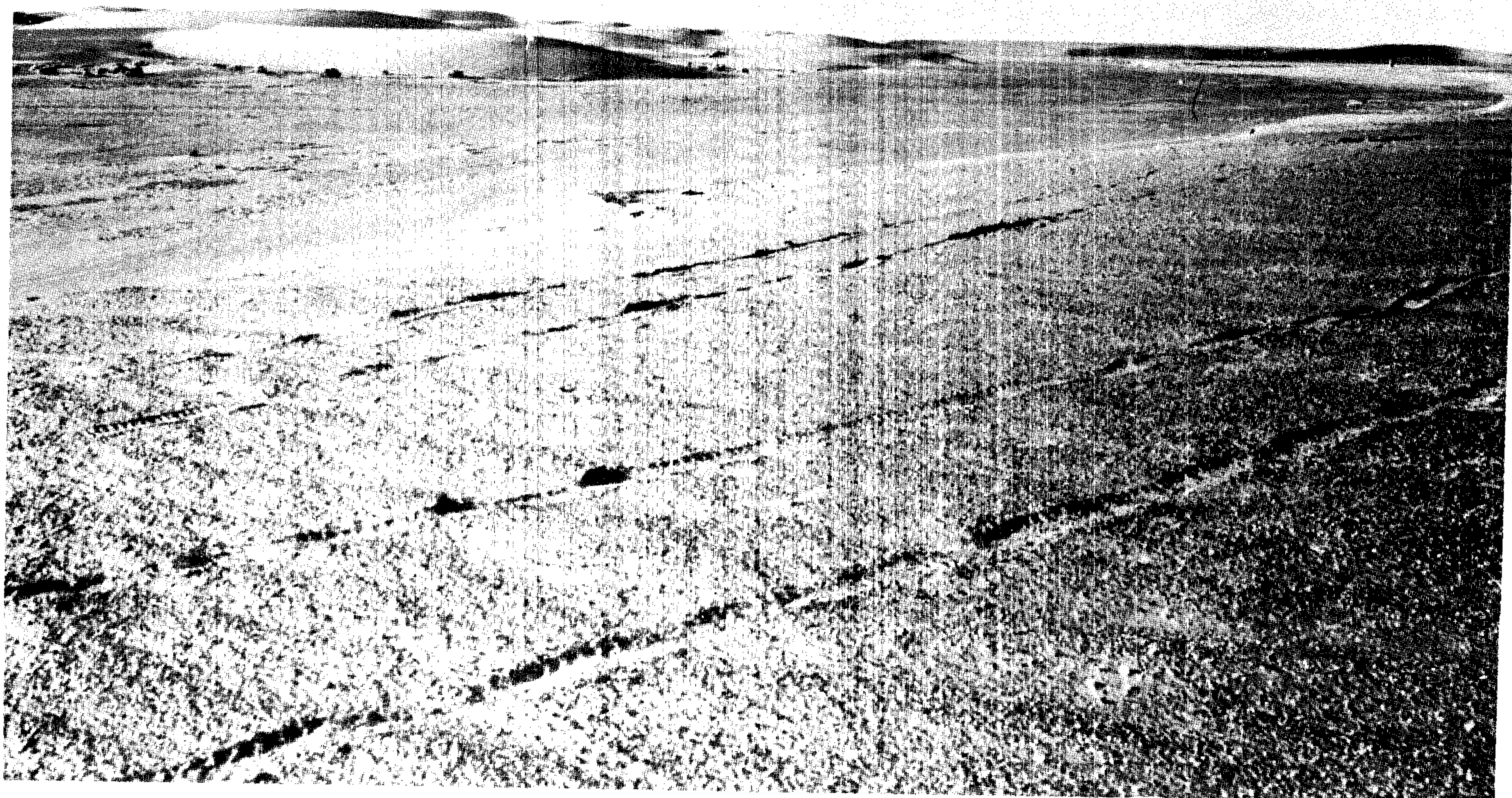
شکل ۲۹۴ - دره تلخ آب در شمال شاهرخ آباد .



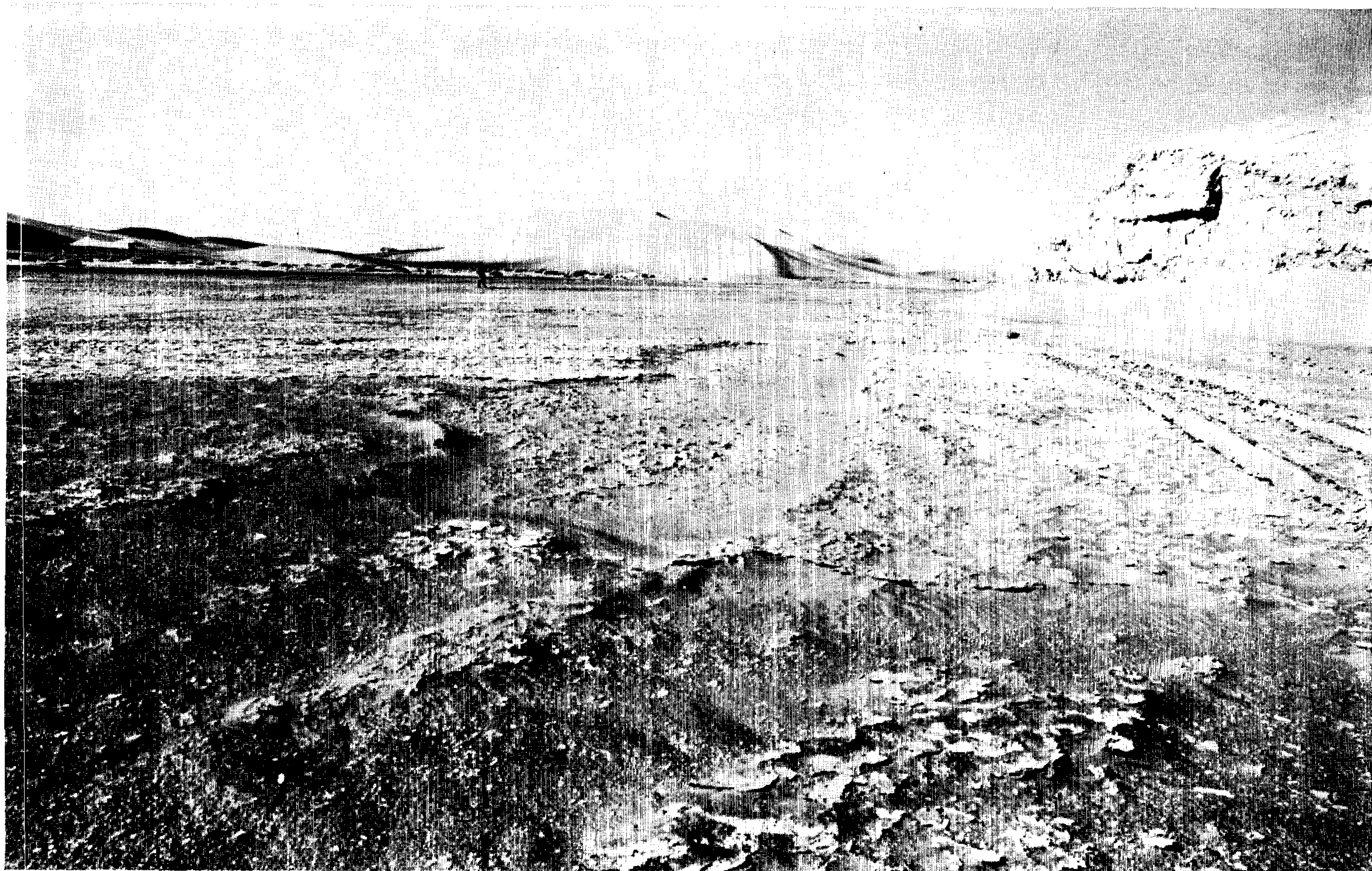
شکل ۲۹۵ - انتهای شمالی چاله زنگی احمد سرراه نو.



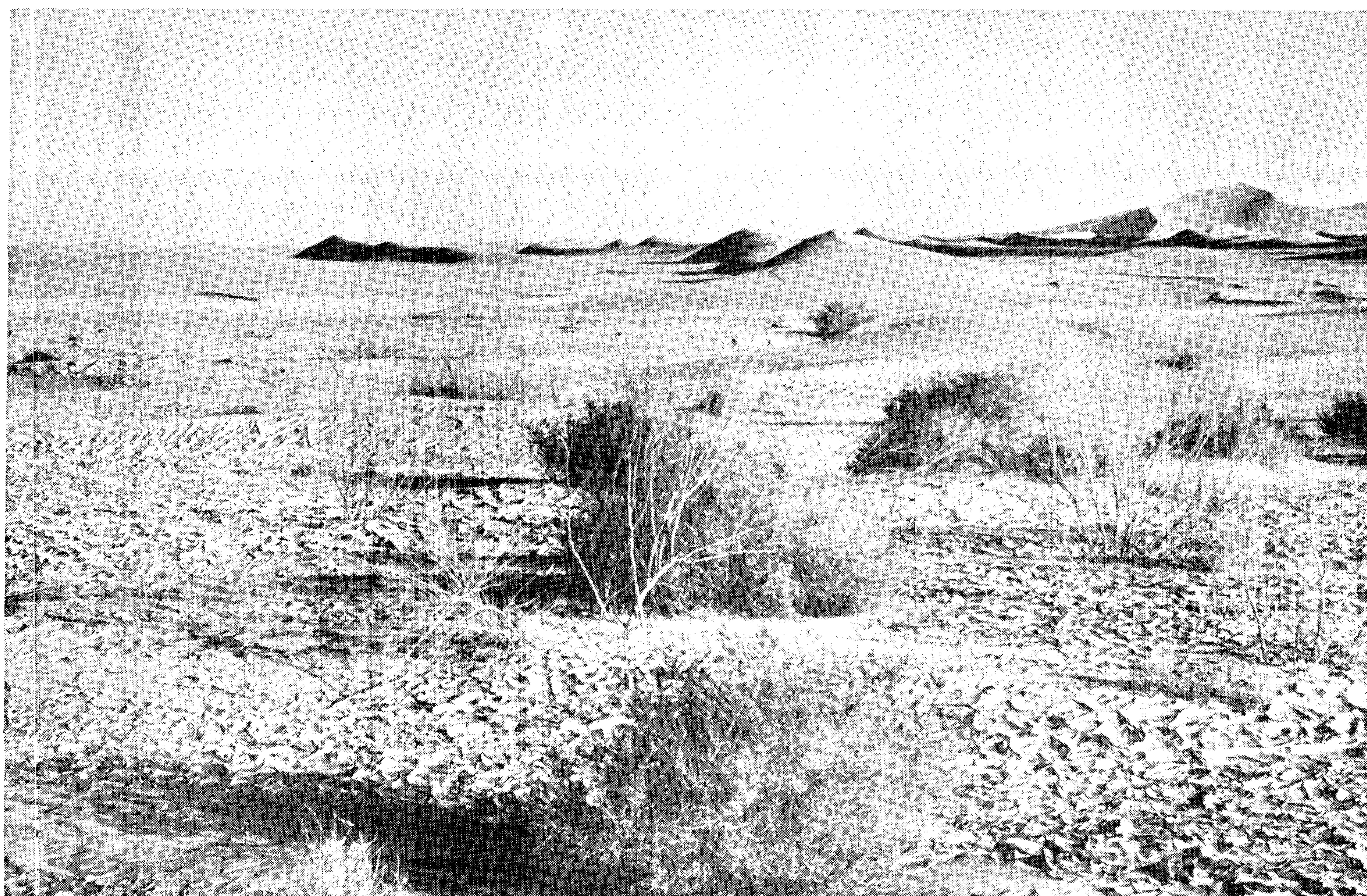
شکل ۲۹۶ - مسیر راه نود شمال چاله زنگی احمد .



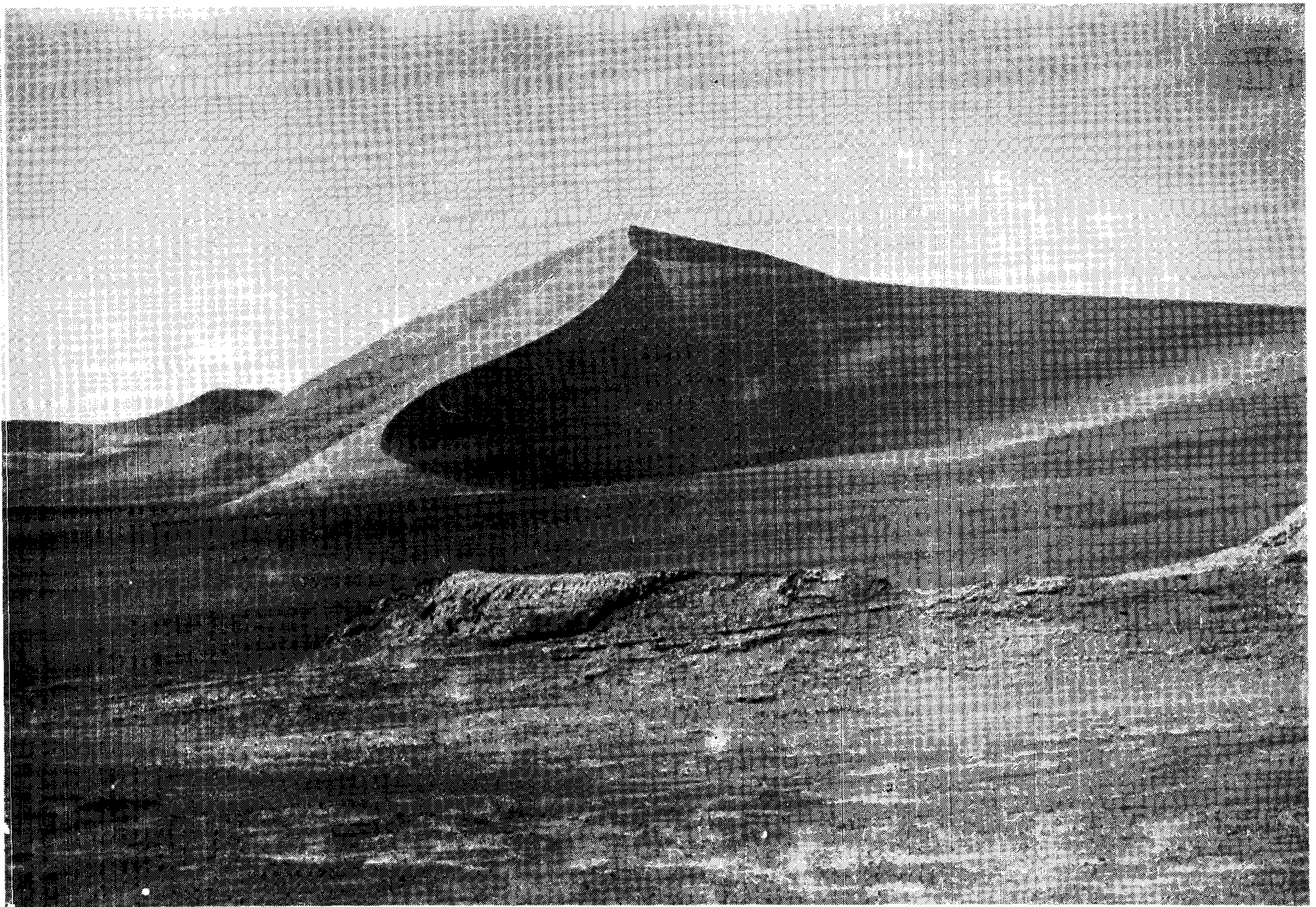
شکل ۲۹۷ - مسیر راه نود رکنار مسیل شورگر .



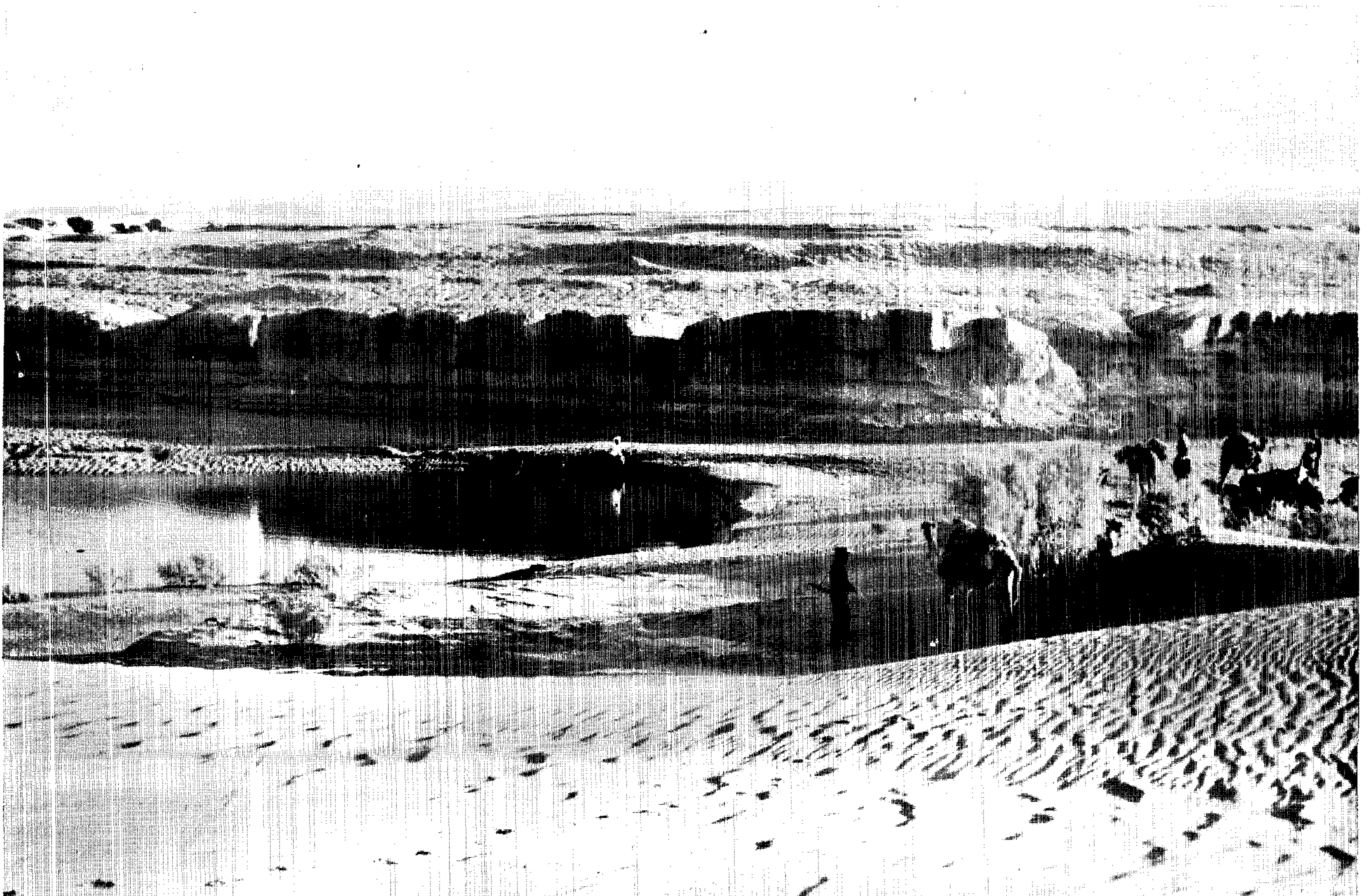
شکل ۲۹۸ — دره شورگر مسیرراه نو .



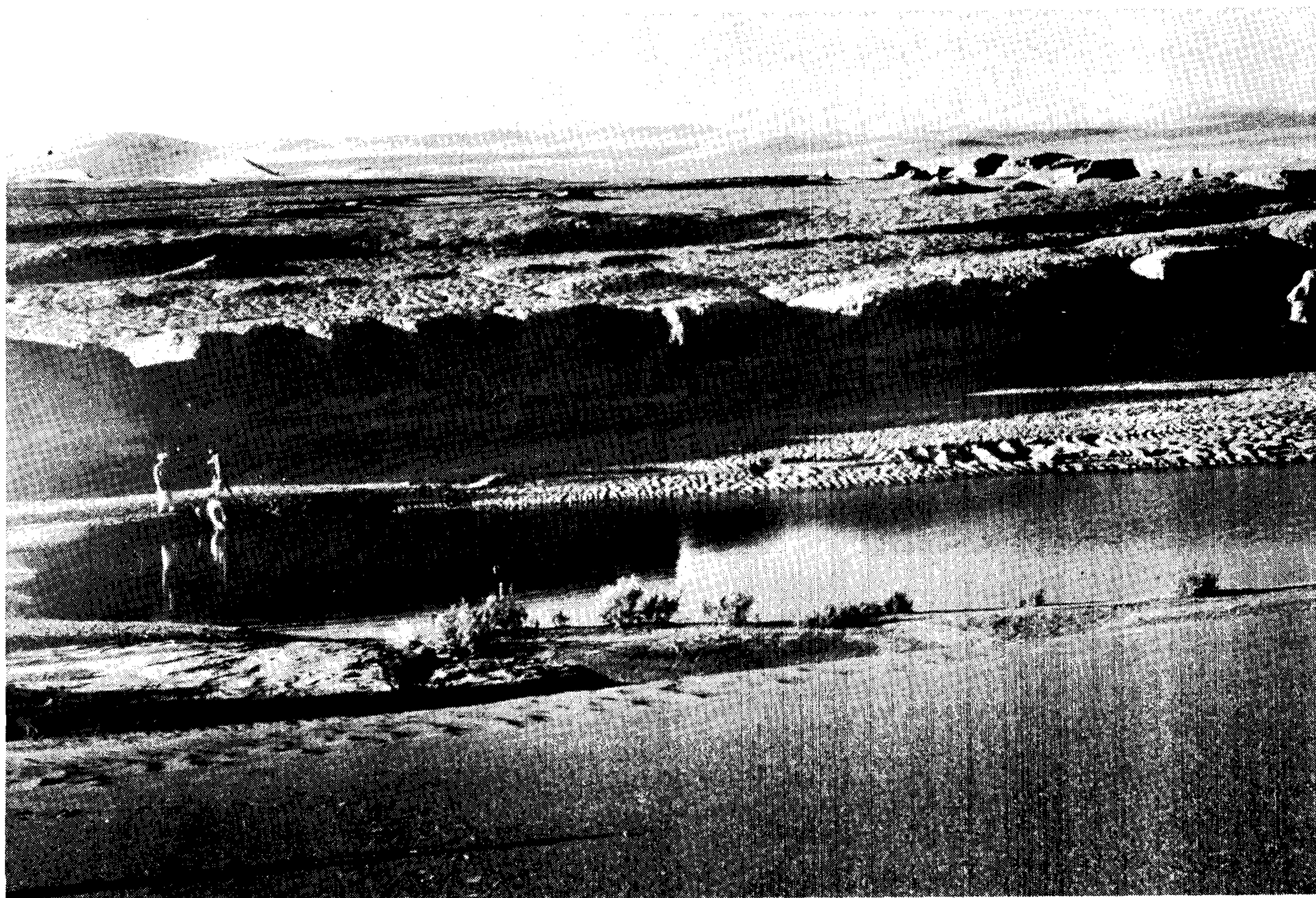
شکل ۲۹۹ — مسیرراه نوین کوپروماسه روان .



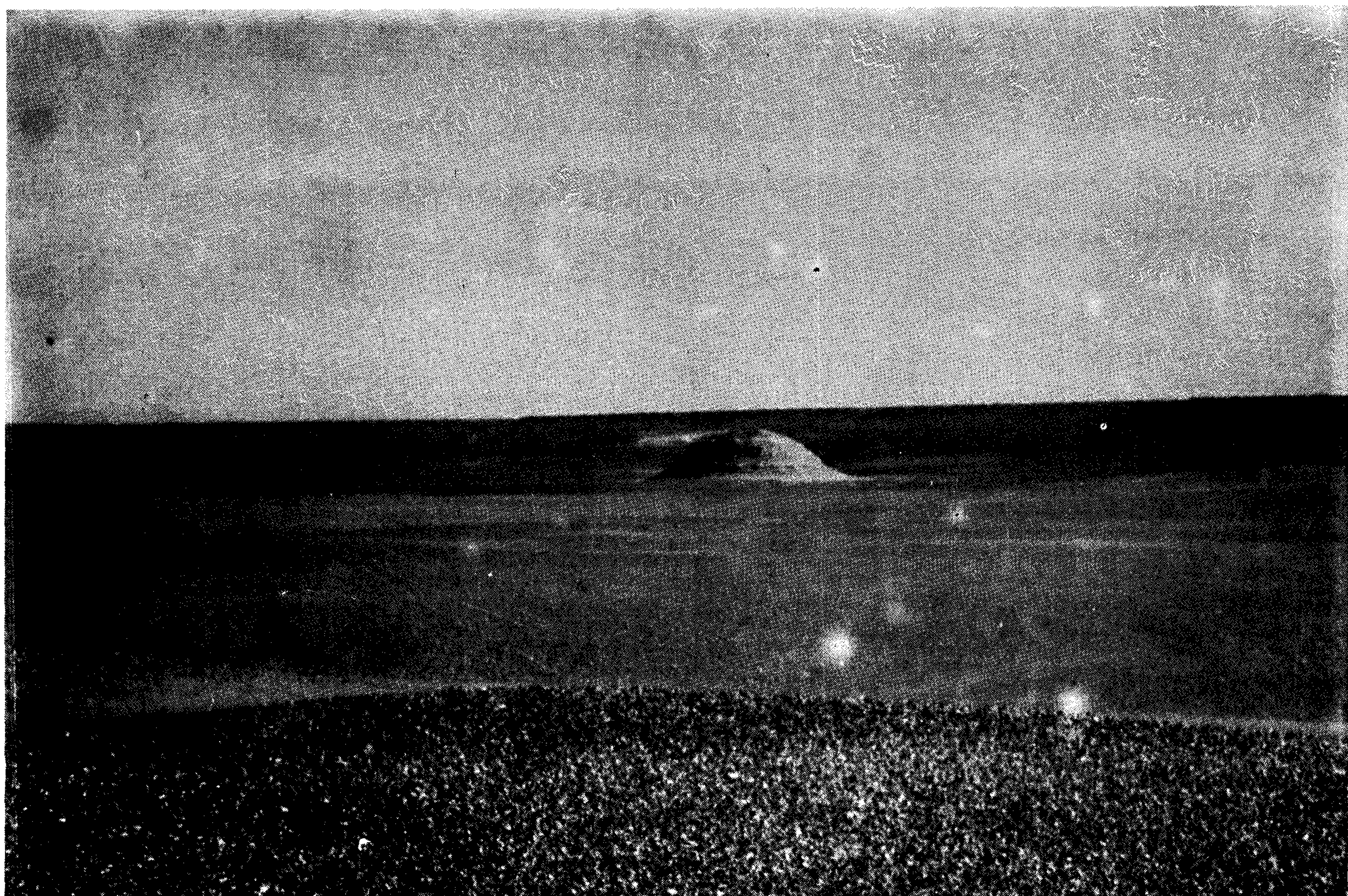
شکل ۳۰۰ - توده ریگ در شرق راه نود دره شورگر.



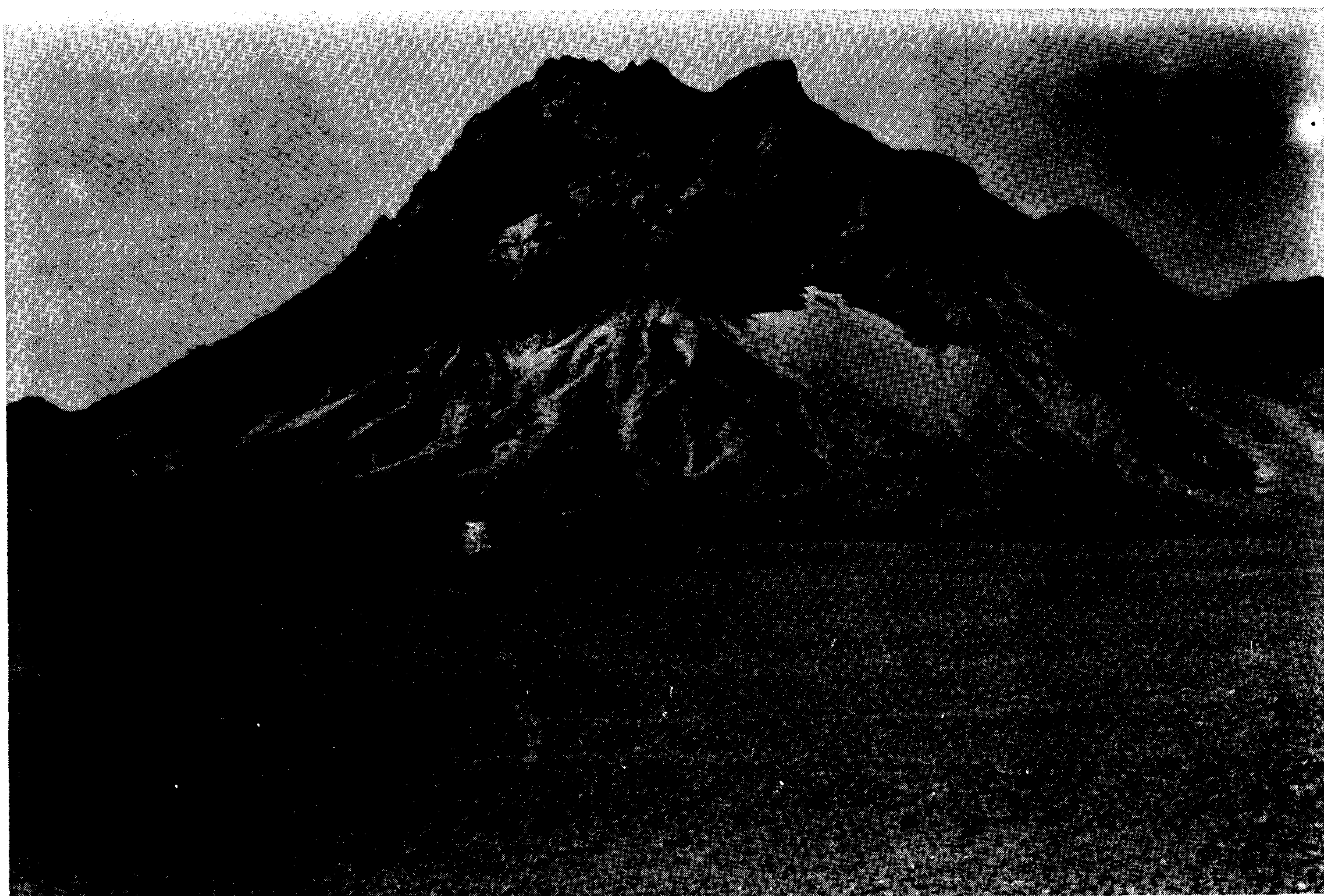
شکل ۳۰۱ - چشمه مستوفی اب در دره شورگر.



شکل ۳۰۲ - چشمه مستوفی آب در دره شورگر .



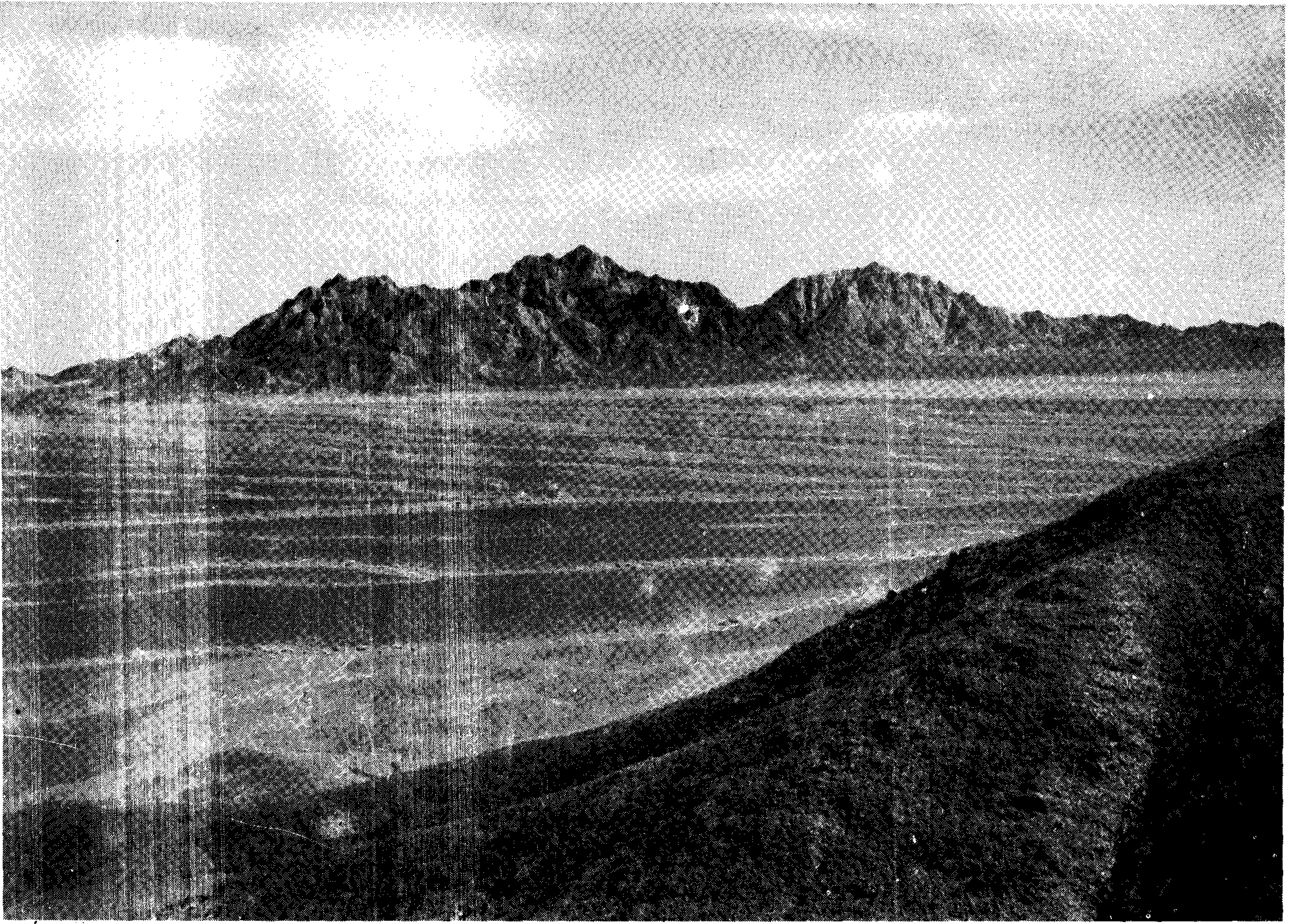
شکل ۳۰۳ - مسیر راه نودر شمال دره شورگر در چاله ملک محمد .



شکل ۳۰۴ - کوه ملك محمد نشانی راه نو .



شکل ۳۰۵ - کوه ملك محمد جنبه جنوبی .



شکل ۳۰۶ - کوه سیمرغ در شمال مسیر راه نو • اولین بلند یخ‌ای لوت شمالی •



شکل ۳۰۷ - سنگ چین علامت راه نو در ارتفاعات - رعی توده ریگ •

برجسته در دوطرف راه نمایان می‌باشند. در مشرق تپه كوچك نوك دار **كوه آهن** است و پشت آن در رشته‌های كوه پاتركی، **آب یلان** قرار دارد. در مغرب راه، برجستگی كوچکی از گرانیت **كوه میخ** است و راه مستقیم بسوی شمال تا ده‌سلم ادامه دارد و در جنوب آبادی به شرحی که گذشت می‌توان به‌سوی شرق به‌چاه گرسفیدرفته و از آنجا عازم نیه شد.

۲ - راه کشیت به بم

از کشیت يك راه مستقیم به سوی بم از دامنه تپه‌ها و ارتفاعات وجود داشته و از گردنه بلبلو گذشته به شهر بم می‌رسیده است. عبور از مسیرهای گودراهی دشوار است ولی در شرق آن راه دیگری است از جنوب کشیت به **دره ریحان** و از آنجا به **نازی آب** و بم. راه دومی با چند راه فرعی برخورد داشته و راه محلی پرآمد- و شد بوده است. بواسطه وجود چشمه نازی آب در سر راه آنرا بنام راه نازی آب می‌خوانیم. راه نازی آب کوتاه‌تر از راه کشیت - بلوچ آب به دارستان بوده و در دره ریحان راهی بسوی ابارق است که ماشین‌ها در آن رفت و آمد دارند و تنها راه ماشین‌رو کشیت به بم می‌باشد. بعد از دره ریحان راه از دامنه است و از پای تپه- های كلوت می‌گذرد و به چشمه نازی آب می‌رسد. از نازی آب راهی مستقیم به‌سوی بلوچ آب و راه دیگر به طرف بم است که بین **كوه بلبلو** و **كوه آخور** رفته و در حدود كروك وارد منطقه بم می‌شود.

۳ - راه نرماشیر به اسپي

راه ارتباطی سیستان و بلوچستان با ایالات مرکزی در زمان حاضر از بزرگ- راه معروف بم به زاهدان است که این راه بین بم و اسپي حد جنوبی دشت لوت می‌شود. شاید کمتر راهی در ایران سابقه دراز تاریخی مانند این راه داشته باشد و شاید هیچ راهی از لحاظ مسیر در بیست و پنج قرن زندگی و شاید بیشتر باین میزان ثابت مانده باشد. تا آنجا که تاریخ ضبط نموده و آثار باستان شناسی حکایت دارند ارتباط ایران داخلی با سندهند از این طریق بوده است. این راه در شرائط طبیعی بسیار دشواری معمور نگاهداشته می‌شود و مسیر

آن خطی منحنی است که از بم تا فهرج در جهت جنوب شرقی و از فهرج تا اسپي بسمت شمال شرقی است. علت انحناء راه اینکه چون آبادیهای نرماشیر و فهرج جاهای آبدار بوده اند، برای کاستن درازی بیابان خشك ۶۰ کیلومتر راه بین بم و فهرج از نواحی آباد قدیمی می گذرد، یعنی در واقع این راه امتداد مسیر ارتباطی بین فهرج و بم است.

از فهرج تا دربند اسپي بیابان است. بیابان بی آب و کم گیاهی که در معرض وزش دائمی باد است. بادهای شمال غربی و جنوب غربی بطور مستمر ماسه و شن و ریگ را جابجا کرده و راه را کور کرده و طوفان خاك از مظاهر طبیعی این بیابان است. در دوران قدیم قوافل از خطر طوفان ماسه و گم کردن راه و تشنگی درامان نبودند و در عبور لشگریان از این راه تلفات جانی و مالی فراوانی نصیب آنها می شد. در دوران جدید بعد از پیدایش ماشین خطر کمتر از گذشته نبود. ماشینها در شن و ماسه غرق می شدند و در هر چند کیلومتر ماشینی کنار جاده درمانده بود. ماشینها بشکل کاروان حرکت می کردند تا در مواقع حاجت به کمک هم برسند. راه شوسه حاضر در ۳۵ سال قبل ساخته شد ولی این راه با صرف هزینه گزاف و مرمت های سالیانه هنوز در منطقه شورگز و گرگ خطرناک است.